

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا
بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

پیوند جوان با نماز

نویسنده: احمد نباتی

۴ / پیوند جوان با نماز

چند راه کار عملی برای تقویت حضور قلب در نماز.....	۴۵
راه کار اول: توجه به فقر ذاتی خود و کبریایی خداوند.....	۴۵
راه کار دوم: توجه به تعقیبات نماز.....	۴۸
راه کار سوم: زندگی با یاد خدا.....	۵۱
راه کار چهارم: توسل به امام خوبی ها.....	۵۵
خشوع معصومین <small>علیهم السلام</small> در نماز.....	۵۸
خشوع پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۵۸
خشوع امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۵۹
خشوع فاطمه ی زهرا <small>علیها السلام</small>	۵۹
خشوع امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۵۹
پاسخ به چند شبهه.....	۶۱
نماز و پاکی دل.....	۶۱
نماز و زبان عربی.....	۶۵
نماز و پرهیز از تکرار.....	۶۹
... و آخرین کلام!	۷۱
سؤال مسابقه.....	۷۴
پاسخ نامه.....	۷۹
نظرات، انتقادات و پیشنهادات.....	۸۰

فهرست مطالب

مقدمه ی مؤلف.....	۵
جایگاه نماز در ساختمان دین.....	۷
به هر ترتیبی که شده نماز بخوانید!.....	۱۲
ارزش نماز در روایات.....	۱۴
با خدای خود منصف باشیم!.....	۱۷
خداوند چه کسانی را دوست دارد؟.....	۲۲
باور کنید نماز شما هم ارزشمند است!.....	۲۵
نماز خوان های بد اخلاق!.....	۲۹
تنبلی و تن آسایی.....	۳۲
نماز و حیای منفی!.....	۳۴
نماز اول وقت و احساس ارزشمندی.....	۳۸
فضیلت نماز اول وقت در روایات.....	۴۱
حضور قلب در نماز، خلوت با معبود.....	۴۲

۶ / پیوند جوان با نماز

و روایات نجات بخش معصومین علیهم السلام، راه کارهایی جهت تشویق جوانان عزیز به اقامه‌ی نماز ارائه داده، و مشوقی برای آن‌ها در این مسیر نورانی باشد.

در این کتاب پس از تبیین میزان اهمیت نماز در زندگی، پاسخگوی برخی از شبهات جوانان عزیز در امر نماز بوده، و عوامل مهمی که می‌تواند زمینه‌ی دوری آن‌ها از نماز و عبادت را فراهم سازد، مورد بررسی قرار خواهیم داد. این کتاب علاوه بر آن که در پیوند جوان با نماز راه‌گشای خوبی است، می‌تواند به عنوان متن آموزشی جهت مربیان عزیز و دلسوز هم مورد استفاده قرار گیرد.

نگارش کتاب «پیوند جوان با نماز»، در شب شهادت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به اتمام رسید. امید که با عنایت آن امام رؤوف، همه‌ی جوانان ایران اسلامی مزین به زینت نماز و ملبس به لباس بندگی شده و بتوانند با رهایی پیروزمندانه از دام‌های بندگی شیطان، خود را در جرگه‌ی بندگان مخلص خداوند ببینند. انشاء الله.

احمد نباتی، زمستان ۱۳۹۰

مقدمه‌ی مؤلف

بی‌گمان تشبیه نماز به عمود خیمه‌ی دین، عالی‌ترین تعریف از این عبادت باشکوه و بهترین تعبیر در میزان‌سنجی آن با سایر اعمال است. به راستی چه چیز باشکوه‌تر از گفت‌وگوی رو در رو با پادشاه عالم هستی و ابراز نیاز به درگاه اوست؟!!

نماز، مرحمی بر زخم‌های روح مجروح از ضربه‌های دنیا و دنیاپرستان، آرام جان خوبان و خداپرستان، نوازش دست خدای رؤوف بر سر انسان، و نزدبان صعود به قلّه‌های انسانیت است.

نماز وسیله‌ی برقراری ارتباط با خدای سبحان و عامل بازدارنده‌ی انسان از کج راهه‌های عصیان است.

با نماز است که می‌شود از دام مشکلات اخلاقی و رفتاری نجات پیدا کرد، و ارتباطی عاشقانه با خدای خود برقرار نمود.

کتاب حاضر در صدد است تا با استعانت از آیات نورانی قرآن کریم،

جایگاه نماز در ساختمان دین

هر ساختمانی برای آن که قابل استفاده باشد، باید از اجزاء خاصی برخوردار باشد. اجزائی چون: درب، پنجره، سقف، دیوار و ... که اگر یکی از این اجزاء در ساختمانی نباشد، آن ساختمان، ناقص به شمار آمده و زندگی در آن ممکن نخواهد بود.

اما در میان اجزاء ساختمان، هیچ یک نقش ستون و اهمیّت آن را نخواهد داشت. اگر ساختمان، درب، پنجره، سقف یا دیوار نداشته باشد، شکل کلی خود را از دست نخواهد داد در صورتی که ستون‌های آن پابرجا باشد؛ اما اگر ساختمانی ستون نداشته باشد و یا این که ستون‌هایش متزلزل باشد، تمام بنیان ساختمان از هم پاشیده شده به تلی از خاک تبدیل خواهد شد. دین ما هم دارای ساختمانی است که ستون‌های آن، نمازهای روزانه است.^۱

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود فرمودند: «شما را به خدا، شما را به خدا، در مورد نماز! چرا که

بنابراین، کسی که نماز را کنار گذاشته و یا این که نسبت به آن سهل‌انگار باشد، در واقع، ستون دین خود را متزلزل کرده و ساختمان دینش را منهدم ساخته است.

پر واضح است که خداوند متعال، تنها اعمال انسان دین‌دار را مورد قبول خود قرار می‌دهد. حال اگر کسی با کنار گذاردن ستون دین خود، خانه‌ی دینش را از بین ببرد در واقع از جرگه‌ی دین‌داران خارج شده و اعمالش ثواب و ارزشی نخواهد داشت.^۱

در روایات آمده است که در روز قیامت و در ایستگاه رسیدگی به اعمال، ابتدا از نماز سؤال می‌کنند.^۲ اگر کسی نماز نداشت و یا این که

نماز بهترین عمل و ستون دین شما است. «اللّٰهُ اللهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ، إِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ.» (الكافي، ج ۷، ص ۵۱).

۱. لقمان حکیم علیه السلام در مقام موعظه به فرزندش فرمود: «ای فرزندم! نماز را بر پا دار! چرا که مثل نماز در دین خدا، همانند ستون برای خیمه است. اگر ستون بر پا باشد، طناب‌ها، میخ‌ها و پرده‌ی خیمه کارآمدند. اما اگر ستون بر پا نباشد، میخ و طناب و پرده‌ی خیمه هم فایده‌ای نخواهند داشت.» «قَالَ لَقْمَانَ لِابْنِهِ: يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ فَإِنَّمَا مَثَلُهَا فِي دِينِ اللَّهِ كَمَثَلِ عَمُودٍ فُسْطَاطٍ فَإِنَّ الْعَمُودَ إِذَا اسْتَقَامَ نَفَعَتِ الْأُتُنَابَ وَالْأَوْتَادُ وَالظَّلَالُ وَإِنْ لَمْ يَسْتَقِمْ لَمْ يَنْفَعْ وَتِدٌ وَلَا طَنْبُ وَلَا ظِلَالُ.» (بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۲۷).

۲. لازم به ذکر است که در قیامت از یک جهت دو ایستگاه وجود دارد. ایستگاه رسیدگی به ایمان و اعتقادات، و ایستگاه رسیدگی به اعمال. جایگاه اعتقادات انسان از جهت اهمیّت، مقدم بر جایگاه

جایگاه نماز در ساختمان دین / ۹

نمازش مورد قبول خدای تعالی قرار نگرفت، دیگر نگاهی به پرونده‌ی دیگر اعمال صالحش نمی‌اندازند و ثوابی برای آنها در نظر نمی‌گیرند؛ چرا که با مخروبه شدن ساختمان دین، هر چیزی هم درون آن ساختمان باشد، ارزش خود را از دست خواهد داد.^۱

اعمال او است. در روایات، وقتی سخن از اعتقادات به میان می‌آید از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان ستون دین یاد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «عَلَى عَمُودِ الدِّينِ» (الکافی، ج ۱، ص ۲۹۳). در زیارت آن حضرت هم آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ!» (الکافی، ج ۴، ص ۵۷۰). لذا اگر کسی ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را نداشته باشد، دینی ندارد که سایر اعمالش مورد قبول خداوند قرار گیرد. چنین شخصی هر چند هم نمازگزار باشد، اما به خاطر این که ایمانش ناقص است و از ولایت بهره‌ای ندارد، اعمال و نمازش هم مورد قبول درگاه الهی قرار نمی‌گیرد. از امام زین العابدین علیه السلام سؤال شد که سبب قبولی نماز چیست؟ آن حضرت فرمود: «ولایت ما اهل بیت و بیزاری جستن از دشمنان ما» * «قِيلَ: مَا سَبَبُ قَبُولِهَا؟ قَالَ: «وَلَايَتَنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ اَعْدَائِنَا.» (مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۱۲).

بعد از عبور از ایستگاه اعتقادات، نوبت به ایستگاه اعمال انسان می‌رسد. در ایستگاه رسیدگی به اعمال صالح، نماز در رأس آنها قرار دارد. روی همین اساس است که از آن به عنوان «خَيْرُ الْعَمَلِ» یاد شده و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم در وصیت خود به آن تأکید فرموده است: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ.» (الکافی، ج ۷، ص ۵۱).

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اولین چیزی که از بنده سؤال می‌شود نماز است؛ اگر مورد قبول قرار گرفت، دیگر اعمالش هم مورد قبول قرار خواهد گرفت، و اگر نمازش مورد قبول قرار نگرفت، سایر اعمالش هم مورد قبول قرار نخواهد گرفت.» * «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قَبِلَتْ قَبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ.» (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸)

۱۰ / پیوند جوان با نماز

اگر کسی برای یک نیم‌روز هم ستون ساختمان را کنار بگذارد، تمام ساختمان تبدیل به تلی از خاک و ویرانه خواهد شد. در مورد نماز هم موضوع از همین قرار است؛ اگر کسی حتی یکی از نمازهای خود را عمداً به جا نیاورد، روی اعمال خوبش پوشیده شده و اثری از آنها نخواهد دید. بنابراین، دقت داشته باشیم که به هیچ عذر و بهانه‌ای نماز را ترک نکنیم و خانه‌ی دین خود را ویران نسازیم.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«میان مسلمان و کافر شدن شخص، فاصله‌ای جز این نیست که نماز واجب را عمداً ترک کند یا از روی بی‌اعتنایی به نماز آن را به جا نیاورد.»^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«نماز، ستون دین است. پس کسی که نماز خود را عمداً نخواند، دین خود را ویران کرده است.»^۳

۱. توجه داشته باشیم که این کیفر مخصوص کسانی است که بدون عذر و بدون جهت نمازشان قضا شود. بنابراین اگر کسی از روی فراموشی نماز نخواند و یا اینکه خواب بماند، مشمول چنین عذابی نیست و گناهی هم به گردن ندارد. هر چند که ثواب فراوانی را از دست داده است.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَ بَيْنَ أَنْ يُكْفَرَ إِلَّا تَرَكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا.» (وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۲)

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ.»

همچنین آن حضرت می‌فرماید:

«کسی که بدون جهت، نمازش را ترک کند تا این که قضا شود، اعمالش از درجه‌ی مقبولیت ساقط می‌شود.»^۱

به هر ترتیبی که شده نماز بخوانید!

چون خدای متعال نور آسمان و زمین است، راه رسیدن به او هم عنوانی نورانی است. از طرفی گناه و معصیت که عصیان و سرپیچی از خداوند است، عنوانی ظلمانی و تاریک است.

انسانی که خود را از گناه و معصیت دور نگاه داشته فطرتش دوست‌دار همه‌ی عناوین نورانی بوده و از هر گناهی هم منزجر خواهد بود. اما کسی که خود را آلوده به گناه و عصیان کرده، گرد و غبار غفلت را بر فطرت خداجوی خویش نشانده و در تاریکی و ظلمت به سر می‌برد؛ چنین شخصی نه تنها طالب نور نیست، بلکه با عناوین نورانی سنخیت کمتری داشته و از آن‌ها دوری می‌جوید. هر قدر تاریکی وجودی انسان بیشتر شود، انزجار او از نورانیت، بیشتر خواهد شد، تا جایی که دیگر علاقه‌ای به ارتباط با خدای متعال نداشته و از انجام کارهایی که راه بندگی خدای تعالی است دوری می‌گزیند.

اگر کسی هنگام خواندن نماز، خود را در فشار روانی می‌بیند؛ توجه

(مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۹۸)

۱. عن النبی ﷺ: «مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَفُوتَهُ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ، فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهُ.» (مستدرک‌الوسائل،

ج ۳، ص ۴۵)

داشته باشد که این ظلمت درونی اش است که اجازه نمی‌دهد از این نردبان نورانی بالا رفته و به کمال معنوی خود دست یابد.

متأسفانه برخی از گناه‌کاران بدون توجه به این مسأله‌ی مهم، به جای آن که اشتباهات رفتاری خود را کنار گذاشته و خود را از ظلمت گناه و معصیت نجات دهند، نردبان نورانی نماز را کنار می‌گذارند و راضی می‌شوند همچنان در ظلمت و تاریکی گناه باقی بمانند. غافل از این که این فشار روانی، جلوه‌ی کوچکی از حقیقت برزخی آنها است که بعد از مرگ با آن محسوس شده و مجبورند تا ابد با آن همراه باشند.

و اما برخی دیگر وقتی با چنین تعارضی مواجه می‌شوند عاقلانه رفتار می‌کنند و همچنان که به نماز خود ادامه می‌دهند، سعی در کنار گذاردن اشتباهات رفتاری خود داشته و با صبر و شکیبایی و نیز با استعانت از نورانیت نماز، خود را از ظلمت گناه رهایی می‌دهند. بنابراین، در این لحظات هم به هر ترتیبی که شده نماز را بخوانید و اجازه ندهید حتی دو رکعت از نمازتان هم قضا شود.

ارزش نماز در روایات

* هر چیزی چهره و علامتی دارد و چهره‌ی دین‌داری ما نماز است. نماز در واقع نماد و پرچم دین ما است، که با آن می‌توان دین‌داری خود را به نمایش گذاشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«برای هر چیزی چهره و نمادی است و نماد دین شما نماز است.»^۱

* دغدغه‌ی بسیاری از مردم این است که چگونه از شرّ شیطان در امان باشند؟ نماز به منزله‌ی قلعه‌ی محکمی است که انسان را از یورش‌های شیطان در امان می‌دارد. کسی که به نماز پناه ببرد و نماز را در زندگی خود اقامه کند، در دام شیطان گرفتار نشده و از صراط مستقیم خارج نمی‌گردد.

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: «لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَوَجْهٌ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ». (الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«نماز قلعه‌ای است در برابر یورش‌های شیطان.»^۱

* فقر ذاتی ما اقتضا دارد تا همواره محتاج رحمت الهی باشیم. رحمت الهی زندگی را به کام انسان شیرین کرده و موجب می‌شود تا از کنار مشکلات به راحتی عبور کند. کسی که غرق در رحمت الهی است هیچ‌گاه دچار سرگردانی و تحیر نشده و همواره راه نجات از سختی‌ها و خروج از تنگناها و گرفتاری‌های زندگی را فرا روی خود خواهد دید.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«نماز، رحمت خداوند را به سوی انسان سرازیر می‌کند.»^۲

* نماز ارتباط خاص با خدای متعال و راز و نیاز در درگاه او است. روی همین اساس، محبوب‌ترین اعمال در نزد خدای متعال نماز است. این میزان اهمیت در نماز اقتضا دارد تا آخرین وصیتی که بر زبان همه‌ی انبیای الهی جاری می‌شود توصیه به اقامه‌ی نماز باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«محبوب‌ترین اعمال نزد خدای متعال نماز است و نماز آخرین

وصیت همه‌ی انبیای الهی بوده است.»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود می فرماید:

«شما را به خدا، شما را به خدا در مورد نماز؛ چرا که نماز ستون

دین شما است.»^۲

۱. الإمام الصادق علیه السلام: «أحبُّ الأعمال إلى الله عزوجل الصلاة، و هي آخر وصايا الأنبياء.» (من

لايحضر، ج ۱، ص ۲۱۰).

۲. الإمام علي علیه السلام: «الله الله في الصلاة؛ فإنها عمودُ دينكم.» (من لايحضر، ج ۴، ص ۱۸۹).

۱. الإمام علي علیه السلام: «الصلاة حصنٌ من سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ.» (غررالحكم، ح ۳۳۴۳)

۲. الإمام علي علیه السلام: «الصلاة تستنزل الرحمة.» (غررالحكم، ح ۳۳۴۱)

با خدای خود منصف باشیم!

وقتی با دید انصاف به زندگی خود می‌نگریم، خود را سرشار از نعمت‌های خدای متعال می‌بینیم. نعمت‌هایی که حتی قدرت شکرگزاری یکی از آن‌ها را هم نداریم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾^۱

اگر نعمت‌های خداوند را بشمارید، قابل شمارش نمی‌باشند. در کنار میلیارد‌ها میلیارد نعمتی که خداوند به ما عنایت فرموده، مشکلات و سختی‌هایی هم در زندگی دنیایی وجود دارد. مشکلاتی که بعضی از آن‌ها بر اساس قانون طبیعی دنیا، برخی به دلیل بی‌توجهی و کم‌تدبیری ما در زندگی، برخی به جهت گناه و معصیت و برخی دیگر هم به جهت مصلحت‌های مبارکی رخ می‌دهد که فوائد آن در دراز مدت روشن خواهد شد.

به یاد داشته باشیم که به محض مواجهه با مشکلات زندگی، نعمت‌های بی‌شمار الهی را به دست فراموشی نسپاریم. به جای شکرگزاری از نعمت‌هایش، متمرکز در کمبودهای خود نشده و رفتاری ناسپاسانه نداشته باشیم. منصف باشیم! آیا توانسته‌ایم شکر نعمت‌های خداوند را به جای آوریم؟! آیا جوانمردانه است که آن همه نعمت را نادیده گرفته و با چشم نارضایتی به خدای خود بنگریم؟! پس نماز را قربانی بی‌صبری خود نکنیم و با ترک نماز، دست خود را از رحمت بی‌منتهای الهی کوتاه نگردانیم. رحمتی که راه جاده‌های اخروی را برای ما روشن کرده و از عذاب‌های آن در امان می‌دارد.

دانش‌آموزی که وارد کلاس اول ابتدایی می‌شود برای آن که بتواند به مراتب عالی‌تری تحصیلی دست یابد، باید سختی‌ها و امتحان‌های مختلفی را پشت سر بگذارد. دنیا، کلاس درس بزرگی است که ما را به کمالات انسانی نزدیک کرده و پاداش آن هم، بهشت برین الهی و قرار گرفتن در قرب خدای رؤوف می‌باشد. سختی‌ها و دشواری‌های زندگی، امتحان‌های مبارک و بی‌نظیری می‌باشند که ثمرات بسیار مبارک و غیر قابل‌تصور برای ما خواهند داشت.

خدای متعال با سختی‌های زندگی در صدد است تا تاریکی‌های گناه و

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۳۴.

با خدای خود منصف باشیم! / ۱۹

معصیت را از ما دور کرده و ما را از ظلمت مخوف آن نجات دهد. ظلمتی که انسان را از بهشت محروم می‌کند و در آتش جهنم ساکن می‌گرداند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«کم‌ترین کشش‌های مرگ - برای گنهکار - به منزله‌ی صد ضربه‌ی شمشیر است.»^۱

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هم می‌فرماید:

«برای مرگ کشش‌هایی است که قابل توصیف نیستند و بزرگ‌تر از آن است که به عقل اهل دنیا خطور نماید.»^۲

حال، وقتی توجه کنیم که خدای مَنان با سختی‌های کوچک دنیا، گرفتاری‌های غیر قابل تحمل برزخ و آخرت را از ما دور می‌کند، نه تنها چنین مشکلاتی را نشانه‌ی روی گردانی خدا از خود نمی‌بینیم، بلکه آن‌ها را شاهدی بر لطف و توجه خدا خواهیم دید و شاکرانه و با رویی خوش به استقبال این سختی‌ها خواهیم رفت.

۱. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَدْنَى جَذَبَاتِ الْمَوْتِ بِمَنْزِلَةِ مِائَةِ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ.» (میزان الحکمة، حدیث ۱۹۲۲۸).

۲. الإمام علی عَلَيْهِ السَّلَام: «إِنَّ لِمَوْتِ لَعْمَرَاتٍ هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصِفَةِ أَوْ تَعْدَلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا.» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۱).

۲۰ / پیوند جوان با نماز

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«بیماری‌ها گناهان را محو می‌کنند. ساعت‌هایی که انسان در درد بیماری به سر می‌برد، ساعت‌های گناه و معصیت را از بین می‌برند. همچنین آن حضرت می‌فرماید: «ساعت‌هایی که غم و اندوه در دل مؤمن قرار می‌گیرد، ساعت‌هایی است که گناهان او در حال پاک شدن است.»^۱

حکایتی زیبا: ابوبصیر - که مردی نابینا بود - می‌گوید خدمت امام

باقر عَلَيْهِ السَّلَام رسیدم. به حضرت عرض کردم: آیا شما ذریه‌ی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستید؟ امام فرمودند: بله.

گفتم: رسول خدا وارث علم همه‌ی انبیا بود؟ فرمودند: بله.

گفتم: آیا شما نیز تمام علوم رسول خدا را به ارث برده‌اید؟ فرمودند: آری.

گفتم: شما می‌توانید مرده را زنده کنید و کور مادرزاد را معالجه کنید؟

فرمودند: آری، به اذن خدا.

سپس امام با مهربانی فرمود: ابوبصیر! جلو بیا. نزدیکش رفتم. آن

حضرت دست به چهره و دیده‌ی من کشید و بینا شدم. آنگاه دوباره

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «السُّقْمُ يَمْحُو الذُّنُوبَ» وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَاعَاتُ الْوَجَعِ يُذْهِبْنَ سَاعَاتِ

الْخَطَايَا» وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَاعَاتُ الْهُمُومِ سَاعَاتُ الْكُفَّارَاتِ وَلَا يَزَالُ الْهُمُّ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى يَدْعَهُ وَمَا لَهُ مِنْ ذَنْبٍ.» (بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۴۵).

دست بر صورتم کشید و به حالت اوّل بازگشتم. آنگاه فرمود: می‌خواهی بینا باشی و در روز قیامت همانند مردم حساب پس بدهی، یا آن که دوست داری نابینا باشی و بی‌حساب به بهشت بروی؟

گفتم: می‌خواهم نابینا باشم؛ زیرا بهشت را بیشتر دوست دارم.^۱

یکی از درس‌های این روایت توجه به ادب در دعا و توسل است. ابابصیر به شکلی بسیار زیبا درخواست خود از امام را مطرح کرد و امام هم با سوق دادن توجه او به سوی حکمت نابینایش، او را نسبت به وضعیت موجود راضی کردند. ما هم توجه داشته باشیم که در دعا و نیایش در محضر پروردگار و نیز در توسل‌هایی که از محضر معصومین علیهم‌السلام داریم، ادب نیکویی را رعایت کنیم و توجه داشته باشیم که گاهی لطف و رحمت خداوند در اجابت نشدن خواسته‌های ما خواهد بود. البته به اقتضای وعده‌ای که خداوند متعال به دعاکنندگان داده، دستی را که به سوی او بلند شده ناامید بر نمی‌گرداند و در پاداش دعا و توسل‌هایش، برخی از تقدیرهای ناگواری که فرا رویش قرار گرفته از مسیرش برمی‌دارد، و یا این که آن‌ها را ذخیره کرده و در روز واپسین به عنوان انبوهی از اعمال نیک به او هدیه خواهد کرد.

خداوند چه کسانی را دوست دارد؟

اشکال: عده‌ای را می‌بینم که اصلاً نماز نمی‌خوانند، هزار جور گناه و آلودگی در زندگی خود دارند؛ اما در عین حال مشکلی ندارند و با رفاه کامل زندگی می‌کنند. ولی پدر و مادرم که عمری دم از خدا زده‌اند، مشکلات خاصی در زندگی خود دارند! فکر می‌کنم خداوند آن بی‌نمازها را بیشتر از ما دوست دارد و نماز و عبادت ما نزد او ارزشی ندارد.

جواب:

در جواب به این سؤال جا دارد به یکی از سنت‌های خداوند که «استدراج» نام دارد اشاره کنم. بعضی از مردم با گناه‌ها و معصیت‌هایی فراوانی که دارند، راه گسترده‌ی هدایت را به روی خود، تنگ و باریک می‌کنند. خدای متعال اینگونه افراد را - که از چشم آسمانیان افتاده‌اند - در چنان رفاهی قرار می‌دهد که کمتر به فکر ارتباط با او بیفتند. وقتی نزد این افراد از خدا و ارتباط با او صحبت می‌کنیم، با تکبر

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۷۴.

خداوند چه کسانی را دوست دارد؟/ ۲۳

می‌گویند: خدا؟! ما که نیازی به خدای شما نداریم! خدا یعنی پول! خدا یعنی رفاه و تفریح! خدا یعنی لذت‌های دنیا! حتی برخی از آنها که شیفته‌ی مال و ثروت خود هستند، به اشتباه گمان می‌کنند، چنین ثروتی به دلیل جایگاه برتر آنها در نزد آسمانیان و تقربشان در بارگاه خدای یکتاست!^۱

این مردم زیان کار و از خدا بی‌خبر، در غفلتند که این مال و ثروت، نه تنها راهی فرا رویشان نمی‌گشاید؛ بلکه بیش از هر چیز آنها را از انسانیت و راه خدا دور می‌کند. آنها زمانی به اشتباه خود پی می‌برند که دیگر کار از کار گذشته و خود را در خُسران و زیان ابدی می‌بینند. وقتی هنگامه‌ی مرگشان فرا می‌رسید، می‌بینند دنیایی که همه‌ی عمر خود را صرف او کردند و با تمام وجود عاشقش بودند، به یکباره از دست

۱. مطلب فوق هرگز بدان معنا نیست که هر کس مال و ثروت داشت مبتلا به سنت استدراج شده و از راه بندگی خدا دور افتاده است. اگر مال و ثروت، موجب غفلت انسان از یاد خدا نشده و زمینه‌ی تقویت روحیه‌ی بندگی را در انسان فراهم آورد، مبارک و میمون است. اما اگر مال و ثروت موجب دوری انسان از کمال انسانی خود، و روی آوردن وی به گناه و عصیان شد، نامبارک و غیر میمون بوده و چه بسا چنین شخصی مبتلا به سنت استدراج شده باشد.

خداوند متعال در آیه‌ی ۵۵ از سوره‌ی مبارکه‌ی توبه، در مورد فلسفه‌ی فزونی مال و ثروت از خدا بی‌خبران می‌فرماید: «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ» و (فزونی) اموال و اولاد آنها، تو را در شگفتی فرو نبرد. خدا می‌خواهد آنان را به وسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند!

۲۴ / پیوند جوان با نماز

می‌دهند و مجبورند با دست خالی و با کوله‌باری از گناه و معصیت، دنیای فانی را ترک کنند. مرگ برای این افراد، شروع اندوه و پریشانی بزرگی است که پایانی برای آن وجود ندارد.

سنت استدراج یعنی این که خدای متعال - با ابزار دنیا و دنیازدگی - چنین افرادی را به تدریج از راه هدایت دور و دورتر می‌گرداند، تا آنکه در کیفر اعمال خود گرفتار شوند و جز حسرت چیزی برداشت نکنند.

مشکلات دنیوی برای مؤمنین، تمرین کوچکی برای مرگ و یاد آوری لطیفی است از لحظه‌ی دست کشیدن از دنیا. مشکلات دنیا به مؤمن می‌آموزد که به جای دل بستن به دنیا، به خدای رب‌العالمین که خالق دنیا و آخرت است، دل ببندد. فایده‌ی مشکلات دنیوی برای مؤمن آن است که - قبل از مرگ - پی به عدم کارایی اسباب دنیوی برده و با توکل به خدای یکتا، تنها به الطاف ویژه‌ی او چشم بدوزد.^۱

۱. جمله‌ی مشهوری است که می‌فرمایند: «مُتُّوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا؛ بمیرید، قبل از آن که شما را بمیرانند». یکی از مهمترین ویژگی‌های مرگ آن است که به اجبار انسان را از تعلقات دنیا جدا می‌کند و او را به سوی عالم دیگری می‌برد. چنین قطع‌علاقه‌ای - که از روی اختیار نیست - نه تنها برای کسی کمال محسوب نمی‌شود؛ بلکه برای شیفتگان به دنیا، و در هنگامه‌ی سکر موت، موجب عذاب جانکاهی خواهد شد. اما کسی که از روی اختیار - در عین بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی -

باور کنید نماز شما هم ارزشمند است!

کسی که مبتلا به گناه و معصیت است، هر چند بخواهد اعمالش را توجیه کند؛ اما به هر حال خود را آلوده و ظلمانی می‌بیند. شیطان برای این که کار را یکسره کند و او را در سرراشویی سقوط قرار دهد در گوشش چنین نجوا می‌کند:

«توظ که غرق در گناه و معصیتی، نمازت چه ارزشی دارد؟! بهتر است نماز را رها کنی تا کار عبث و بیهوده انجام نداده و گناه دیگری در پرونده‌ی اعمالت نبینی!»

همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید شیطان به جای آن که گناه جوان را از

دل‌بستگی خود نسبت به آن‌ها را کنار می‌گذارد و به جای دنیای فانی، به خدای یکتا و اولیای معصومش دل می‌بندد، علاوه بر آن که نزد خدای متعال اجر فراوانی دارد، مرگ را هم پلی دوست داشتنی می‌بیند برای عبور از ناخوشی‌های دنیا و ورود به بهشت برین الهی. روی همین اساس است که می‌فرمایند: «بمیرید قبل از آن که شما را بمیرانند».

او بگیرد، در صدد است تا از آب گل‌آلود ماهی گرفته و با تارک‌الصلاة کردن جوان، خیمه‌ی دینش را ویران کند و او را به یکباره در تباهی سقوط اندازد. چنین جوانی اگر هم نمی‌تواند گناه خود را کنار گذارد، هرگز نباید دست از نمازش بکشد. روزی به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کردند:

«جوانی است که پشت سر شما نماز می‌خواند؛ اما اهل فساد و فحشا

است!»

حضرت فرمودند: نمازش ارزشی ندارد؛ بلکه فرمودند:

«نمازش کمکش می‌کند تا از این گناه رهایی یابد.»

دیری نپایید که جوان دست از گناه خود کشید و توبه کرد.^۱ دقت

بفرمایید که این جوان در آن شرایط نمی‌توانسته نمازی عارفانه و با حضور قلب بخواند؛ اما در عین حال همین نماز هم چنان ارزشی دارد که می‌تواند وی را از گناه و معصیت بیرون بیاورد.

همواره این قاعده‌ی کلی را در نظر داشته باشید که هرگز کار خوب

خود را فدای کار بد نکنید. درست است که گناه و معصیت، «عزت‌نفس»

و «شخصیت» را از انسان می‌گیرد؛ اما چرا کار خوب خود را کنار

۱. «أَنَّ قَتِيَّ مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ يَرْتَكِبُ الْفَوَاحِشَ فَوُصِفَ ذَلِكَ

لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَّا.» فَلَمْ يَلْتَبْ أَنْ تَابَ. (بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸).

باور کنید نماز شما هم ارزشمند است! / ۲۷

می‌گذارید؟! آیا با کنار گذاردن کار خوب، «عزت نفس» و «شخصیت» خود را بازیابی می‌کنید، یا این که با کنار گذاردن آن، خود را در ظلمت جدیدی می‌بینید! چه بسا به خاطر آن کار خوبی که انجام می‌دهید، خداوند متعال لطف خاصی در حق شما کرده و شما را از باتلاق گناه و آلودگی نجات دهد.

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زنی بود که از زنا بچه‌دار شد. آن زن، با نهایت قساوت قلب، کودک خود را درون خمره‌ی سرکه انداخت و بعدها سرکه‌ی نجس را هم به دیگری فروخت و پول آن را مصرف کرد. وقتی آن زن - از روی عذاب وجدان - داستان رفتار خود را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح کرد، آن حضرت فرمود:

«علت این گناهان بزرگت آن است که روزی نماز عصر خود را عمداً ترک کردی!»^۱

آن زن از ابتدا این گونه نبود. او زنی نمازخوان بود. به خاطر این که فقط یک نماز خود را عمداً ترک کرد، خیمه‌ی دینش فرو ریخت و در سراشیبی سقوط قرار گرفت. هر چند می‌توانست توبه کند، اما چنین نکرد و روز به روز پست‌تر و گناه‌کارتر شد. او «تارک الصلاة» شده و بعد هم

۲۸ / پیوند جوان با نماز

زناکار شد و تا جایی پیش رفت که بدین جا رسید.

بنابراین، هرگز نماز خود را ترک نکنید و با هر سختی و مشکلی هم که شده نماز را بخوانید.

۱. کتاب داستان دوستان، ج ۱، ص ۵۶. نوشته‌ی محمد محمدی اشتهاردی.

نمازخوان‌های بد اخلاق!

سؤال: نمازخوان‌هایی را می‌بینم که بر خلاف ادعای خود، رفتارهایی نادرست و ریاکارانه دارند. بنابراین، از هر چه نماز و نمازخوان است متنفرم و دوست ندارم مانند آنها باشم!

جواب: کار خوب فی‌نفسه خوب است و کار بد هم فی‌نفسه بد. روی همین اساس اگر انسان خوبی، کار زشتی انجام داد، به خاطر محبتی که به او داریم کار زشتش را زیبا نمی‌بینیم. همچنین اگر انسان غیر متدینی کار خوبی انجام داد، به خاطر بغضی که از او به دل داریم، آن کار خوب را زشت به حساب نمی‌آوریم.

اگر دیدیم شخص متدینی مبتلا به تندخویی است، به خاطر محبتی که به او داریم هرگز تندخویی را پیشه‌ی خود نمی‌کنیم؛ اما در عین حال، رویه‌ی مثبت شخصیتی او را هم زیر سؤال نبرده و از کارهای خوبش منزجر نمی‌شویم. کما این که اگر دیدیم شخصی بی‌دین و مشرک، رفتار

صحیحی دارد، به خاطر نفرتی که از آیین و کیش او داریم، رفتار خوبش را بد حساب نمی‌کنیم؛ اما در عین حال، با مشاهده‌ی رفتار خوبش، شیفته‌ی آئین و عقاید الحادی او نمی‌شویم.

بہتر است در زندگی، واقع‌بین باشیم و بتوانیم به راحتی خوبی‌ها را از بدی‌ها جدا کنیم. به عنوان مثال اگر خانمی، شخص محجبه‌ای را دید که از هنر تعامل صحیح با دیگران بی‌بهره است، به جای این که از حجابش - که رفتاری پسندیده است - منزجر شود، از رفتار ناصحیحش عبرت بگیرد و سعی کند خودش بانویی محجبه، و در عین حال خوش اخلاق و مردم‌دار باشد. اگر شخص بانمازی را دیدید که مبتلا به رذایل اخلاقی است، به جای این که از نماز - که عبادت خدا است - منزجر شوید، سعی کنید خودتان نمازخوانی متدین باشید.

طبیعی است که در چنین مواقعی شیطان به جای آن که جوان را به اصلاح خود گرایش دهد، او را وسوسه می‌کند که از کار خوبش دست بردارد. پس سعی کنید در نبرد با شیطان مغلوب نشده و از این جنگ روانی پیروزمندانه بیرون آید.

اگر با چنین نگرشی به دنیا بنگریم، باید از تمام رفتارهای خوب و پسندیده متنفر شویم و آنها را کنار بگذاریم. چرا که احتمال دارد کسانی

که رفتار صحیحی دارند، در عین حال رفتار ناشایستی هم داشته باشند. و احتمال دارد کسانی که ادعایی دارند، رفتارشان بر خلاف ادعایشان باشد. بنابراین، به محض دیدن رفتار ناپسند آنها، باید از تمام رفتارهای خوبی که در آنها سراغ داریم روی‌گردان شویم! و حال آن که هیچ عاقلی چنین رفتاری را نمی‌پسندد.

پس پسندیده است که هنر تفکیک بین کار خوب از کار بد را در خود تقویت نماییم. کارهای خوب را خوب بدانیم و آنها را سیره‌ی رفتاری خود کنیم و کار بد را بد بدانیم و از آن دوری کنیم.

بیایم به جای تمرکز بر عیوب دیگران - که موجب فراموشی خود و عیوب خود است - در خود و کاستی‌های خود متمرکز شویم.^۱ مطمئن باشیم آنقدر اشکال و ایراد در کار خود می‌یابیم که توجه به اصلاح اشکالات خود، ما را از مشغله‌ی تمرکز منفی در عیوب دیگران باز می‌دارد و به جای هدر رفتن انرژی خود، آن را متمرکز در اصلاح خویشتن نماییم.

۱. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «همین اندازه عیب برای انسان بس است که متمرکز در عیوب دیگران شده و از دیدن عیوب خود نابینا باشد.» * «كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَنْظُرَ فِي عَيْبِ غَيْرِهِ وَ يُعْمَى عَنِ عَيْبِ نَفْسِهِ.» (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۳).

تنبلی و تن‌آسایی

برخی از جوانانی که در نماز خود کوتاهی می‌کنند، از اعماق وجود به نماز و عبادت معتقدند؛ اما تنها چیزی که مانع نمازگزاردن آنها شده، تنبلی و بی‌حوصلگی است.

یکی از جلوه‌های نماز، تمرین وظیفه‌شناسی و تلاش برای رسیدن به نظم و انضباط در زندگی است. کسی که به وظیفه‌ی بندگی خود به خوبی عمل می‌کند، قاعدتا در هر جایگاهی که باشد، در خدمت صادقانه به دیگران هم کوشا بوده و در کار و تلاش برای آینده‌ی زندگی خود هم موفق خواهد بود.

در مورد این جوانان، تنها به ذکر یک روایت بسنده می‌کنم تا با کمک گرفتن از آن، دست و آستین همت بالا زده و با همت و نشاط، به عبادت خدای متعال برخیزند.

خداوند متعال - در حدیثی قدسی - می‌فرماید: «به جلال و جمال، بلندی و رفعتم قسم، که هیچ بنده‌ای خواست مرا بر هوای نفس و

خواستهای دل خود بر نمی‌گزیند، مگر آن که از دیگران بی‌نیازش می‌سازم و همّت و تلاشش را برای آبادانی آخرتش قرار می‌دهم. از هلاکت و نابودی در امانش داشته و آسمان و زمین را ضامن روزیش می‌گردانم و برای او از تجارت هر تاجری هم سودمندترم.^۱

نماز و حیای منفی!

حیای مثبت، بهترین نعمت خداوند و وسیله‌ی رسیدن به هر خیر و نیکی است. کسی که حیا دارد، کار زشت و قبیحی انجام نمی‌دهد و گوهر عفت خود را از دست نمی‌دهد. حیای مثبت موجب می‌شود تا انسان، همان گونه که در عیان از بندگان خوب خدا شرم دارد، در نهان هم از خداوند شرم داشته باشد.

اما حیای منفی، انسان را از دانستن دور کرده و از عمل به خوبی‌ها باز می‌دارد. کسی که شرم و حیای منفی دارد، ممکن است هنگام عمل به وظایف دینی در برابر نگاه‌های سرزنش‌آمیز دور افتادگان از کاروان بندگی، خود را ببازد و یا در هم‌رنگ‌شدن با مردم گناه‌کار، خود را از زیان‌کاران بازار دنیا ببیند.

در جبهه‌ها جوانان ما جان خود را در دست می‌گرفتند و یک تنه در مقابل دشمن می‌ایستادند. آنها بدن نهی‌ف خود را در مقابل تیرهای

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ (عَزَّوَجَلَّ) يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ عَلْوِي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ إِلَّا كَفَفْتُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَ ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ.» (الكافي، ج ۲، ص ۱۳۷).

نماز و حیای منفی! / ۳۵

دشمن گرفتند، تا آنچه مایه‌ی خشنودی خداوند است انجام داده باشند. جوان عزیز! آیا پسندیده است که در مقابل چنین اسطوره‌هایی آنقدر در دین و اعتقادات خود سست باشیم که از تظاهر به رفتارهای متدینانه شرمنده باشیم و از ترس خرده‌گیری‌های جاهلانه‌ی دیگران، نماز خود را ترک کنیم؟! آیا با چنین ضعفی، فردای قیامت در برابر آن نوجوان سیزده ساله‌ای که جان خود را در راه خدا داد، جوابی داریم؟! قطعاً نه! کسی که در راه خدا از آبروی خود مایه بگذارد و به خاطر سخن و نگاه‌های دیگران از دین‌داری خود کم نگذارد، کسی که در حفظ دین خود محکم و پابرجا باشد؛ به یقین خدای متعال هم با رحمت وسیع خود او را به عزت دنیا و آخرت خواهد رساند، و تکیه‌گاه او در زندگی خواهد بود.

مرحوم شیخ صدوق رحمته الله روایت زیبایی نقل می‌کند که جا دارد آن را همواره بر گوش جان خود بخوانیم. مردی به امام سجاده رحمته الله نوشت:

«خیر دنیا و آخرت در چیست؟» آن حضرت در جواب چنین نوشتند:

«بسم الله الرحمن الرحيم، اما بعد! کسی که طالب رضای خداوند باشد آن هم در انجام کاری که مردم از آن خشمگین می‌شوند؛ خداوند متعال او را از مردم بی‌نیاز می‌سازد و یاور او در زندگی خواهد شد. اما کسی که طالب رضای مردم باشد آن هم در انجام

۳۶ / پیوند جوان با نماز

کاری که خشم خداوند را برمی‌انگیزد، خداوند متعال او را از لطف و رحمت خود بی‌نصیب کرده و به مردم واگذارش می‌کند. والسلام»^۱.

یکی دیگر از مصادیق حیای منفی، ترک نماز به خاطر ترس از غسل جنابت است. برخی از جوانان و نوجوانان که اهتمام خوبی به نماز و عبادت دارند، بعد از احتلام، نماز را برای مدتی تعطیل می‌کنند، تا والدین متوجه جنابتشان نشوند!

کاملاً طبیعی است که نوجوانان و جوانان گاهی اوقات در خواب محتمل شوند و نیاز به غسل جنابت پیدا کنند. در چنین صورتی توجه داشته باشید که ترک نماز، گناه بزرگی است و انسان را در پرتگاه سقوط قرار می‌دهد. لذا راحت به حمام بروید و بعد از غسل، به نماز و عبادت بپردازید.^۲

۱. كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى الْهُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا سَيِّدِي! أَخْبَرَنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاءَ اللَّهِ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ». (الأمالي للصدوق؛ ص ۲۰۰)

۲. در اینجا جا دارد به والدین عزیز هم توصیه کنم که نسبت به غسل فرزندانشان حساس نباشند و فضای خانه را به گونه‌ای آماده کنند که فرزندانشان بتوانند به راحتی غسل کرده و به عبادت بپردازند. نگاه‌های معنا دار و سرزنش‌آمیز والدین و نیز نیش و کنایه‌های آن‌ها، ممکن است موجب شود تا جوانان و نوجوانان از نماز و عبادت دست بکشند، و در دام شیطان قرار گیرند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اگر از جنابت می ترسید در بستر خواب خود این گونه بخوانید:
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأَحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ
 يَتَلَاعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ.»^۱

نماز اول وقت و احساس ارزشمندی

کسانی که نماز خود را در اول وقت آن به جا می آورند در مقایسه با کسانی که این گونه نیستند، نگرش یکسانی در مورد نماز ندارند. گروه دوم هر وقت به یاد نماز خوانده نشده‌ی خود می افتند، دلهره و اضطرابی وجودشان را فرا می گیرد. این دلشوره ادامه دارد تا این که نماز خود را بخوانند و از دستش خلاص شوند. چنین نمازی، نه از روی عشق و محبت به نماز، بلکه به انگیزه‌ی رهایی از این تکلیف سخت بوده است. این افراد به نماز به عنوان تکلیفی سنگین و نگران کننده نگاه می کنند و ممکن است از اعماق وجود دوست داشته باشند که «ای کاش خداوند تکلیفی به عنوان نماز نداشت!» این نگرش موجب می شود تا به تدریج از نماز فاصله گرفته و - نعوذ بالله - برای مدتی اصل نماز را کنار بگذارند تا این که وقتی به یاد نماز افتادند با خود بگویند: «اصلاً نماز نمی خوانیم تا این که دلشوره‌ی انجام ندادن این تکلیف در وجودمان سایه نیندازد!»

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷۱.

نماز اوّل وقت و احساس ارزشمندی / ۳۹

در مقابل، کسی که نماز خود را در اوّل وقت آن به جا می‌آورد، هر وقت به یاد نماز می‌افتد نفس راحتی می‌کشد و از این که وظیفه‌ی خود را به موقع انجام داده، احساس «عزّت نفس» و «ارزشمندی» می‌کند. نماز این شخص، نه به نیت ادای تکلیف و رهایی از آن، بلکه از روی محبّت و علاقه به خدای متعال و عشق به انجام تکلیف الهی است. نماز اوّل وقت، نزد خدای سبحان ارزش بسیار زیادی دارد و تا وقتی که نمازگزار مقید به نماز اوّل وقت است، شیطان نمی‌تواند به راحتی در او نفوذ کرده و توفیق نماز را از او سلب نماید.

بنابراین برای این که همیشه نماز بخوانید بهترین کار این است که مقید به نماز اوّل وقت شوید. توجه داشته باشید که شیطان برای این که نماز را از شما بگیرد، سعی دارد تا در اوّلین قدم، شما را از نماز اوّل وقت دور سازد. اگر توانست کسی را از نماز اوّل وقت دور سازد، به تدریج فاصله‌ی او را با نماز اوّل وقت بیشتر و بیشتر می‌کند تا جایی که شخص را در لبه‌ی پرتگاه ترک نماز قرار دهد و با اندک تلنگری در تنهایی و تاریکی ترک نماز رهاش سازد. پس، وقتی تصمیم گرفتید نماز را در اوّل وقت بخوانید، مقید باشید که حتی برای نیم ساعت هم که شده آن را به تأخیر نیندازید؛ چرا که پذیرش تأخیر نیم ساعتی، فتح بابی برای

۴۰ / پیوند جوان با نماز

شیطان است تا امیدوارانه به وسوسه‌ها و فشارهای خود ادامه دهد و شما را راضی به پذیرش تأخیرهای بیشتر نماید.

توجه: کسانی که به علت موقعیت کاری و درسی خود نمی‌توانند نماز را هنگام اذان، اقامه کنند، لااقل در اوّلین فرصت ممکن نماز خود را اقامه کنند، تا از فیض و برکات نماز اوّل وقت بی‌بهره نمانند.

فضیلت نماز اول وقت در روایات

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«هیچ بنده‌ای نیست که مراقب اوقات نماز باشد مگر این که سه چیز را برای او تضمین می‌کنم؛ «آسودگی در هنگام مردن»، «از بین رفتن غم و اندوه‌ها» و «نجات از آتش جهنم».^۱

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«در خواندن [به موقع] نمازهای پنج‌گانه مراقبت کنید؛ زیرا این نمازها در پیشگاه خداوند متعال منزلت خاصی دارند».^۲

حضور قلب در نماز، خلوت با معبود

سؤالی که ذهن بسیاری از نمازگزاران را به خود مشغول کرده این است که چگونه می‌توان نمازی با حضور قلب اقامه کرد؟! و چگونه می‌توان با اقامه‌ی نماز واقعی از بدی‌ها دور شده، با خدای خود عاشقانه به گفتگو نشست؟!

نماز، بهترین نوع رابطه با خدای متعال است. نماز، محلی است برای نمایش عصاره‌ی شخصیتی و وجودی انسان. هر اندازه که از تعلقات دنیا دل‌کنده و با عالم معنویت ارتباط داشته باشیم، به همان نسبت در نمازمان هم حضور قلب بیشتری خواهیم داشت. در واقع، نماز، جلسه‌ی امتحانی است که میزان بندگی انسان را به نمایش می‌گذارد. درست است که در جلسه‌ی امتحان باید دقت لازم را به خرج داد، اما توجه به این نکته هم ضروری است که برای موفقیت در امتحان باید سرمایه‌ی اصلی را از قبل آماده کرد.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعَ الْهُمُومِ وَ الْأُحْزَانَ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۸، ح ۳۲).

۲. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فِي أَوْقَاتِهَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ (جَلَّ وَعَزَّ) بِمَكَانٍ.»

(بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۹۴).

حضور قلب در نماز، خلوت با معبود / ۴۳

حقیقت نماز، برقراری ارتباط خاص با خدای ربّ العالمین است. آیا کسی که در رفتارهای روزمره‌ی خود ارتباطی با خدای یکتا احساس نمی‌کند، یا کسی که تنها بر سر سجاده‌ی نماز به یاد ارتباط با خدا می‌افتد، و یا کسی که بیشتر عمر خود را در غفلت از یاد خدا به سر می‌برد، می‌تواند هنگام نماز، ارتباطی ویژه با خدای خود برقرار سازد و با تمام وجود، با او به راز و نیاز پردازد؟! مسلماً چنین نیست.

اگر دوست داریم طعم شیرین نماز را در زندگی خود بچشیم و با آن انس بگیریم، باید در همه‌ی شؤون زندگی خود، رضای خدای متعال را در نظر داشته باشیم، سر تسلیم در برابر احکام الهی فرود آورده و از صراط مستقیم الهی خارج نشویم. باید «خود» و «خواسته‌های نفسانی» خویشتن را کنار بگذاریم و نگاهمان را به راه بندگی او بدوزیم. که اگر چنین باشیم، خدای متعال هم فرشی از نور، فرا راهمان می‌گسترده تا راهنمای زندگی ما گشته و چراغی از معنویت در وجودمان روشن گردد. آنگاه خالق توانا، در نماز و عبادت، جلوه‌هایی زیبا از خود در وجودمان عیان خواهد کرد. تا جایی که نماز را «شیرین‌ترین»، «لطیف‌ترین» و «عاشقانه‌ترین» عمل خواهیم دید. انشاء الله.

۴۴ / پیوند جوان با نماز

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«وقتی بنده‌ای با همه‌ی وجود برای نماز قیام کند، و قلبش هم متوجه خدای تعالی باشد، بعد از نماز مانند روزی خواهد شد که از مادر متولد شده است.»^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«کسی که دو رکعت نماز بخواند و در آن متوجه چیزی از امور دنیا نشود، خداوند گناهانش را می‌آمرزد.»^۲

و نیز می‌فرماید:

«وقتی بنده‌ای برای نماز قیام کند، خداوند سه بار به او روی می‌کند. اگر در هر سه بار از خداوند روی گرداند و به او توجه نکند، خداوند از او روی گردان می‌شود.»^۳

۱. وَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَانَ هَوَاهُ وَ قَلْبُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى انْصَرَفَ كَيَوْمَ وَكَدْتُهُ أُمَّهُ». (مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۰۲).

۲. أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: «مَنْ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ». (الكافی، ج ۳، ص ۲۶۶).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: «إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ فَلَا يَزَالُ مُقْبِلًا عَلَيْهِ حَتَّى يَلْتَفِتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا التَّفَّتْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أُعْرِضَ عَنْهُ». (وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۲۸۸).

چند راه کار عملی برای تقویت حضور قلب در نماز

راه کار اول: توجه به فقر ذاتی خود و کبریایی خداوند

نعمت‌ها و توانمندی‌هایی که داریم همه از سرچشمه‌ی لطف و رحمت خداوند است. اگر سلامتی و امنیت داریم، اگر می‌توانیم روی پای خود بایستیم، اگر می‌توانیم ببینیم و بشنویم و اگر می‌توانیم با او به گفتگو بنشینیم، همه و همه از لطف بی‌کران او نشأت می‌گیرد. اشتباهی بزرگ است اگر حتی یکی از نعمت‌های درونی را از آن خود دانسته و خود را مالک و به وجود آورنده‌ی آن بدانیم. وقتی با دیدی واقع‌بینانه، به خود و اطرافمان می‌نگریم جز فقر و نیاز به درگاه الهی چیز دیگری نمی‌بینیم. این واقعیت همان است که خدای متعال در قرآن کریم از آن یاد کرده و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۱

۱. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۱۵.

«ای مردم شما (همگی) نیازمند و فقیر درگاه الهی هستید و تنها خدا است که بی‌نیاز قابل ستایش است!»
وقتی بطری پر از آب را برای چند دقیقه درون دریا بگذاریم، چیز خاصی از آب دریا را درون خود راه نمی‌دهد؛ اما اگر بطری خالی را درون دریا گذاشتیم بلافاصله پر از آب دریا خواهد شد. ما هم اگر «خودبین» شدیم، در ورود به دریای نماز و بندگی خدا، چیز خاصی دریافت نمی‌کنیم؛ اما وقتی با توجه دقیق به خود، متوجه شدیم که منشأ همه‌ی کمالات و رفتارهای خوب ما خداست، و در واقع چیزی از خود نداریم، در این صورت خود را «فقیر»، «تهی» و «نیازمند» به لطف الهی می‌بینیم. چنین ورودی به دریای بندگی خدا - نماز - موجب می‌شود تا خود را سرشار از عطر یاد خدا ببینیم و شیفته‌ی عظمت و کبریایی خدای تعالی شویم. همین شیفتگی، انسان را در جذبه‌ای ملکوتی قرار می‌دهد تا جز یاد خدا به چیز دیگری رضایت ندهد. پس وقتی با تغییر نگرش خود به عالم هستی «خودبینی» را کنار گذاشته و «خدابینی» را پیشه‌ی خود کردیم، از جرعه‌های شیرین و جان‌بخش بندگی خدا بهره‌مند می‌شویم و شایستگی حضور قلب در نماز را به دست می‌آوریم.^۱

۱. اشکال: مگر نه این است که توفیق‌های الهی نتیجه‌ی اعمال صالح و حُسن اراده‌ی ما است؟ و مگر نه این

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هر گاه رو به قبله ایستادی، دنیا و هر چه در آن است و نیز مردم و احوال و اوضاع آن‌ها را یکسره فراموش کن. آنگاه دلت را از هر

است که ما با اراده و حُسن انتخاب، رفتارهای پسندیده انجام می‌دهیم؟ پس چرا باید اعمال خود را نا دیده بگیریم و ویژگی‌های مثبت و عبادت‌های خویش را از آن خود ندانیم، و آنها را به خداوند نسبت دهیم؟! جواب:

هر توفیقی که به دست می‌آوریم به دلیل عقاید پاک و اعمال صالحی است که انجام داده‌ایم. و هر سلب توفیقی که متوجه ما می‌شود نیز به دلیل نگرش‌های نادرست یا گناهایی است که مرتکب می‌شویم. به عبارت دیگر خدای حکیم، که هیچ کاری را بدون حکمت انجام نمی‌دهد؛ اگر به کسی توفیق می‌دهد، به دلیل شایستگی خود او است و اگر از کسی سلب توفیق می‌کند، به جهت ناشایستگی او است. پس تا اینجا معلوم شد که توفیق‌های الهی نتیجه‌ی اعمال شایسته‌ی ما است.

اما نکته‌ی بعدی این است که پاداش الهی در میزان‌سنجی با اعمال ناچیز ما به هیچ وجه قابل مقایسه نمی‌باشد. فرض بفرمایید به کسی «هزار تومان» هدیه می‌دهیم و او هم به رسم تشکر و قدردانی «یک میلیون تومان» به ما می‌دهد. درست است که در این فرض، علت دریافت «یک میلیون تومان»، هدیه‌ی «هزار تومانی» ما است، اما این پاداش آنقدر بزرگ و وسیع می‌باشد که دیگر خارج از رسم ادب است که خود را مستحق دریافت چنین هدیه‌ای بدانیم. روی همین اساس با دیدن آن پاداش، هدیه‌ی خود را به کلی از یاد برده و پاداش را لطفی می‌بینیم که استحقاق گرفتن آن را نداشته و نداریم.

درست است که با حُسن اختیار خود نماز می‌خوانیم. درست است که با حُسن اختیار خود راه بندگی خدا را انتخاب می‌کنیم؛ اما هدایت ویژه‌ی خداوند در حق مؤمن آنقدر وسیع است که در مقام ادب، جایی برای حُسن اختیار خود ندیده و هم‌نوا با اهل بهشت می‌گوییم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»؛ «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت‌ها) رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به این‌ها) راه نمی‌یافتیم.» (سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف، آیه‌ی ۴۳).

آنچه تو را از خدا باز می‌دارد، فارغ گردان و با چشم دل، عظمت خدای را ببین و آن روزی را به یاد آور که هر کسی کرده‌ی خویش را می‌یابد و همگان به سوی خداوند که مولای حقیقی آنها است برگردانده می‌شوند و در آن روز تو با پای ترس و امید در پیشگاه او می‌ایستی.»^۱

راه کار دوم: توجه به تعقیبات نماز

در روایات اهل بیت علیهم السلام از نماز به عنوان معراج مؤمن یاد شده. نماز گزار، هنگام عبادت در هاله‌ای از نور قرار می‌گیرد و بعد از نماز سفره‌ای از نعمت خداوند برای او گسترده می‌شود. شیطان هم که کاری جز اغوای مؤمنین ندارد، در تلاش است تا مانع استفاده‌ی شما از این سفره‌ی معنوی شود. روی همین اساس است که می‌بینیم بعد از خواندن نماز، می‌کوشد تا نماز گزار را از پای سجاده دور کرده و او را از این فرصت ملکوتی بی‌بهره نماید. بنابراین، نهایت سعی خود را به کار گیرید تا بتوانید بعد از نماز، لحظاتی را به خواندن تعقیبات مربوط به آن نماز و تفکر اختصاص دهید. تداوم این کار موجب می‌شود تا بعد از مدتی انس خاصی به لحظات بعد از نماز پیدا کنید. همین انس موجب

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۵.

چند راه کار عملی برای تقویت حضور قلب در نماز / ۴۹

می شود تا به خود نماز هم محبت پیدا کرده، بتوانید حضور قلب بیشتری داشته باشید.

فایده‌ی دیگر این کار آن است که نشان دهنده‌ی میزان توجه شما به نماز و گفتگو با خدای یکتا است. کسی که بعد از نماز واجب، بلافاصله از جا بلند می‌شود و دنبال کار دنیوی خود می‌رود، همانند دانش‌آموزی است که به محض شنیدن صدای زنگ، جلوتر از معلم از کلاس بیرون می‌دود تا هر چه زودتر از مدرسه خارج شود!

نمازگزاری که بدون علت و بلافاصله بعد از نماز از جا بلند می‌شود، رفتارش بیانگر این واقعیت است که نماز را نه با عشق و علاقه؛ بلکه از روی اجبار و ترس از جهنم به جای آورده است. اما نمازگزاری که بعد از اتمام نماز باز هم با طمأنینه و آرامش در جای خود قرار می‌گیرد و مشغول دعا و نیایش با خدای خود می‌گردد، رفتارش بیانگر ادب و احترامی است که در مقابل خدای خود دارد. پر واضح است که چنین شخصی اجر فراوانی هم نزد خدای یکتا دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که نماز واجبی را اقامه کند و تعقیبات آن را به جای آورد، میهمان خدا است و خداوند بر خود واجب کرده که میهمان خود را

۵۰ / پیوند جوان با نماز

اکرام کند.»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«کسی که نماز واجبی را به جا آورد، خداوند برایش دعای مستجابی کنار گذاشته که اگر صلاح باشد آن را در دنیا به او اعطا فرماید و اگر نه آن را در آخرت به او عنایت فرماید.»^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که بلافاصله بعد از نماز واجب، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را انجام دهد، خداوند متعال گناهان او را می‌آمرزد.»^۳

همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

«ثواب این تسبیح از ثواب هزار رکعت نماز مستحبی بالاتر است.»^۴

۱. اَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ صَلَّى صَلَاةَ فَرِيضَةٍ وَعَقَّبَ إِلَىٰ أُخْرَىٰ فَهُوَ ضَيْفٌ لِلَّهِ وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ.» (الكافي، ج ۳، ص ۳۴۱)

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ فَإِنْ شَاءَ عَجَّلَهَا لَهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنْ شَاءَ أَخَّرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۸)

۳. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّى رَجُلِيهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِيُبَيِّدَ بِالْكَبِيرِ.» (الكافي، ج ۳، ص ۳۴۲)

۴. أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.» (الكافي، ج ۳، ص ۳۴۳)

راه کار سوم: زندگی با یاد خدا

زندگی با یاد خدا یعنی در سراسر زندگی خود، خدا را مدّ نظر قرار دهیم و نهایت سعی خود را به کار گیریم تا رفتاری خدایپسندانه داشته باشیم. نوع پوشش، نوع صحبت با دیگران، نوع معاشرت با والدین، کنترل نگاه، رعایت حدود شرعی در معاشرت با نامحرم، و دیگر رفتارهای ما باید به گونه‌ای باشد که نشانی از بندگی ما در محضر خدای سبحان به همراه داشته، و بتوانیم خود را عبد مطیع او بدانیم.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کسی که یاد خدا را در میان غافلین فراموش نمی کند، [و در میان آنها به گناه و معصیت نمی افتد] همانند کسی است که در میان دشمنان خدا مشغول جهاد است.»^۱

در این قسمت به صورت اختصار به چند مورد از رفتارهایی که یاد خداوند را در زندگی تقویت می کند اشاره می شود.

الف - احترام به والدین:

والدین هر کس، اساس و ریشه‌ی جسمانی او هستند. کسی که به والدین خود بی احترامی می کند در واقع خود را بی ارزش، و بنیان خود را

۱. «الذَّكْرُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُتَّئِلِ فِي الْمُحَارِبِينَ». (الكافی، ج ۲، ص ۵۰۲).

سُست کرده است. شاید روی همین اساس باشد که در روایات می فرمایند:

بی احترامی به والدین، عمر را کوتاه، و روزی - مادی و معنوی - را هم کم می کند. اگر کسی از روی خشم به والدین خود نگاه کند، خداوند او را از حوزه‌ی رحمت خود دور کرده و نمازش را نمی پذیرد.^۱

در مقابل کسی که حرمت «رَحِم» را نگاه داشته، و والدین خود را «محترم» می شمارد، در واقع به «رحمت» بی کران الهی وصل شده و بهره‌های مادی و معنوی فراوانی در این راه خواهد برد.

ب - کنترل نگاه:

کسی که چشم به حرام می دوزد، از نگاهش بهره‌ای جز «حسرت» و «اضطراب» نخواهد برد. چنین شخصی از خدا دور است و اهل آسمان هم او را شخصی «فاسق» و «خیانت‌کار» به شمار می آورند. نگاه حرام درون انسان را تیره از گناه و معصیت کرده و اجازه نمی دهد تا نور

۱. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ نَظَرَ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظْرَ مَاقِتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ.»

(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۵).

توجه بفرماید که این روایت بدین معنا نیست که چنین شخصی نمازش از جهت فقهی قبول نبوده و بدین معنا نیست که باید بعد از توبه نمازش را قضا نماید. بلکه معنای این روایت این است که چنین نمازی در نزد خدای متعال پاداش و اجری ندارد و نمی تواند معراج او باشد. هر چند که نامش در ردیف بی نمازها نوشته نشده و به او «تارک الصلاة» نمی گویند.

چند راه کار عملی برای تقویت حضور قلب در نماز / ۵۳

معنویت و یاد خدا در دل جای گیرد.

در مقابل، کسی که به خاطر خدا چشم از حرام می پوشد، از درون احساس «عزت نفس» و «ارزشمندی» می کند. او به برکت بندگی خداوند، آنچنان جایگاه رفیعی برای شخصیت انسانی خود قائل است که روا نمی دارد با نگاه حرام از آن جایگاه عالی انسانی سقوط کرده و در پستی حیوانیت غوطه ور شود. خدای متعال در پاداش چنین شخصی، او را از دسیسه های شیطان در امان نگاه داشته و ایمانی به او عنایت می کند که شیرینی آن را با تمام وجود دریافت می کند.^۱

ج - فرو خوردن خشم و غضب:

یکی از مهمترین راه های نفوذ شیطان در انسان - خصوصاً جوانان عزیز - راه خشم و غضب است. کسی که هنر کنترل خشم را در خود نهادینه نکند و از خود خویشتن داری نشان ندهد، ممکن است در امتحانی بزرگ گرفتار شده و کاری کند که جبران خسارت آن غیر ممکن باشد. چنین روحیه ای رحمت خداوند را از زندگی انسان دور می سازد و موجب قساوت قلب می گردد.

۵۴ / پیوند جوان با نماز

افرادی که گرفتار خشم و غضب هستند، معمولاً مبتلا به «خودخواهی» و «خودمحوری» بوده و ارزش کمتری برای افکار و سلاقی دیگران قائلند. این افراد ممکن است در مقابل غریبه ها و فامیل های دور مجبور به خویشتن داری باشند؛ اما در برخورد با کسانی که معاشرت بیشتری با آنها دارند، نمی توانند واقعیت درونی خود را مخفی کنند. روی همین اساس است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

بهترین شما کسی است که با خانواده اش بهترین باشد.^۱

دوری جستن از «خودخواهی» و رفتار «محترمانه» نسبت به دیگران، از مهمترین عوامل کنترل خشم و غضب است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«کسی که در عین قدرت بر خشم و انتقام، خشم خود را فرو برد، خداوند متعال به او امنیت و ایمانی عنایت می فرماید که شیرینی آن را در کام خود می یابد.»^۲

د - پرهیز از پرهیزی:

۱. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «خَيْرُكُمْ، خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۵)

۲. «يَا عَلِيُّ! مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى إِمْصَاقِهِ أَعْقَبَهُ اللَّهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.» (وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۷۸)

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا لِغَيْرِهِ أَعْقَبَهُ اللَّهُ أَمْنًا وَإِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.» (وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۱۹۲)

چند راه کار عملی برای تقویت حضور قلب در نماز / ۵۵

بسیاری از خطاها و گناهان انسان، از زبان او نشأت می‌گیرند. بزرگان علم اخلاق برای انسان ده‌ها گناه برشمرده‌اند که وزر و وبال آن‌ها از راه زبان بر دامن او می‌نشیند. کسی که مراقب گفتارش نیست و پرگویی را پیشه‌ی خود می‌کند، همانند کسی است که با پای برهنه از میان زمین پر از خار و خاشاک عبور می‌کند. همانگونه که چنین شخصی با هر قدم سوزش خاری را در پای خود احساس می‌کند، شخص پرگو هم با هر بار تکلم، روح خود را آغشته به کدورت‌ها و تیرگی‌های جدیدی می‌بیند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«در غیر از یاد خدا، زیاد سخن نگویند؛ زیرا پرگویی در غیر یاد خداوند، موجب قساوت قلب می‌شود و دورترین مردم از خدا، انسان قسی‌القلب است.»^۱

راه‌کار چهارم: توسل به امام خوبی‌ها

مرحوم آیت الله میرزای قمی و سید بحرالعلوم در کلاس درس آقا باقر بهبهانی شرکت می‌کردند. این دو سعی و کوشش خود را به کار می‌بستند تا نهایت استفاده‌ی علمی را از استاد خود ببرند. میرزای قمی

۵۶ / پیوند جوان با نماز

توان بهتری در فهم درس داشت، به سید کمک نیز می‌کرد تا بتواند مطالب درسی را بیاموزد. میرزای قمی به ایران آمد و از سید بی‌خبر بود. تا این که بعد از مدتی خبر تعجب برانگیزی به گوشش رسید. خبر رسید که سید بحرالعلوم پیشرفت فوق‌العاده‌ای در علوم مختلف پیدا کرده تا جایی که شهره‌ی علمی او زبانزد خاص و عام شده است. میرزا در تعجب بود که سید چگونه به این جایگاه علمی دست یافته است. مدت‌ها گذشت تا این که میرزا به نجف رفت. در آنجا با دوست قدیمی خود دیدار کرد. در اثنای دیدار از او پرسید که چگونه به این قلّه‌ی علمی راه یافته است.

سید بحرالعلوم با تواضع و مناعت طبع خاصی که داشت به رفیق دیرین خود چنین گفت:

در یکی از شب‌ها به مسجد کوفه رفتم. در آنجا دیدم مولایم حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام مشغول عبادت است. ایستادم تا نمازش تمام شود. بعد از نماز سلام کردم. آقا جواب مرحمت فرموده و دستور دادند جلو بیایم. مقداری جلو رفتم و از روی ادب ایستادم. آقا فرمودند: جلوتر بیا! تا قدمی ایشان پیش رفتم تا این که آن آقا نزدیک شدم.

حضرت مرا در آغوش گرفت و مرا به سینه‌ی مبارک خود چسباند. در این هنگام بود که به خواست خدای تعالی، علوم بر سینه‌ام سرازیر شد.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَسَوُ الْقَلْبِ إِنَّ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْقَلْبُ الْقَاسِي.» (وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۹۴).

دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد
ای بوی آشنایی دانستم از کجایی پیغام وصل جانان پیوند روح دارد
سودای عشق پختن عقلم نمی‌پسندد فرمان عقل بردن عشقم نمی‌گذارد
باشد که خود به رحمت یاد آورند ما را ورنه کدام قاصد پیغام ما گذارد

توسل به امام زمان - ارواحنا له الفداء - بهترین و کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به قلّه‌ی خوبی‌ها و پیوند عاشقانه با نماز و عبادت است. جاده-های نورانی کمال و معنویت، راهی است که جز با عنایت و توجه خاص حضرت بقیة الله عجل الله فرجه امکان‌پذیر نخواهد بود. آن حضرت معدن علم الهی، و ذخیره‌ی خدا در روی زمین است. دست او دست خدا و وجود مبارکش تجلی‌گاه صفات الهی است. دم عیسوی‌اش زنده‌کننده‌ی مردگان، و نگاه مشفقانه‌اش درمان دردهای بی‌درمان است. بوی دل‌انگیزش عاشقان را مبهوت خود کرده و صورت چون ماهش کعبه‌ی آمال عارفان است. خال هاشمی او همچون ستاره‌ای درخشان بر گونه‌اش سوسو می‌زند، و صورت چون ماهش روشن‌گر راه هدایت است.

امید که با تکیه بر لطف و عنایتش بتوانیم از دام نفس‌رهایی یافته و در جاده‌های معنویت گام برداریم.
«باشد که گوشه‌ی چشمی به ما کند آن کس که خاک را به نظر کیمیا کند»

خشوع معصومین (علیهم السلام) در نماز

۱. خشوع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«هر گاه به نماز می‌ایستاد، از ترس خدای تعالی^۱ رنگ چهره‌اش تغییر می‌کرد.»^۲

۱. اشکال: مگر خداوند، «رحم الراحمین» نیست و مگر او برای ما از مادر مهربان‌تر نیست؟ پس چرا باید از او ترسید؟!
جواب:

خدای متعال موجودی ترسناک نیست که لازم باشد از او بترسیم. بنابراین، ترس از خدای متعال، معنای دیگری دارد که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود. وقتی نزد بزرگی می‌رویم به هر اندازه که به عظمت و مقام ایشان توجه داشته باشیم، به همان مقدار هم نگرانیم که نکنند در محضر او آنگونه که باید، رعایت احترام و ادب را نداشته باشیم. نماز، حضور خاص در مقابل خدای یکتا است، خدایی که خالق آسمان‌ها و زمین و خالق انسان و فرشتگان است. پر واضح است که هر قدر معرفت بیشتری نسبت به خدای یکتا داشته باشیم به همان نسبت در برابر مقام و جایگاه خداوند سبحان، تواضع و اظهار عجز بیشتری داشته و از این که در برابر چنان مقام رفیعی، رفتاری خلاف ادب داشته باشیم در هراسیم.

۲. كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَرَبَّدَ وَجْهُهُ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَكَانَ لِيَصْدِرُهُ (أَوْ لِيَجُوزِيهِ)

۲. خشوع امیرالمؤمنین علیه السلام

چون وقت نماز می‌شد، آن حضرت رنگ از چهره‌ی مبارکشان می‌پرید. به آن حضرت عرض شد: شما را چه شده؟ فرمود:

«هنگام امانتی رسیده که خدای تعالی آن را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کرد، اما آن‌ها از پذیرفتن آن خودداری کردند. و انسان آن را به عهده گرفت. و من با این ضعف و ناتوانیم نمی‌دانم که آیا از عهده‌ی برداشتن آن به خوبی برمی‌آیم یا نه؟»^۱

۳. خشوع فاطمه‌ی زهرا علیها السلام

آن حضرت در نماز، از ترس خدای تعالی، نفس نفس می‌زد.^۲

۴. خشوع امام حسن مجتبی علیه السلام

هر گاه وضو می‌گرفت رنگ چهره‌ی مبارکش تغییر می‌کرد و بدنش می‌لرزید. علت را جویا شدند، فرمود:

«کسی که در برابر خداوندگار عرش‌نشین ایستاده است، باید رنگش زرد شود و بند بند بدنش به لرزه افتد.»^۱

۱. كَانَ الْحَسَنُ علیه السلام إِذَا فَرَغَ مِنْ وُضُوئِهِ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ: «حَقَّ عَلَيَّ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ عَلَيَّ ذِي الْعَرْشِ أَنْ يَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۵)

أَزِيذُ كَأَزِيذِ الْمُرْجَلِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۳).
۱. كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ يَتَرَلَّزَلُ وَيَتَلَوَّنُ فَيَقَالُ لَهُ: مَا لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَيَقُولُ: «جَاءَ وَقْتُ أَمَانَةِ اللَّهِ الَّتِي عَرَضَهَا عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ فَلَا أَدْرِي أَحْسِنُ أَدَاءَ مَا حُمِّلْتُ أَمْ لَا.» (مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۳).
۲. كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ مِنْ خَيْفَةِ اللَّهِ. (مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۰۰).

پاسخ به چند شبهه

*نماز و پاکی دل

اشکال: مهم این است که انسان دلی پاک داشته باشد. حال با وجود این مطلب، دیگر چه لزومی دارد که نماز بخوانیم؟!

جواب:

طبق روایات اهل بیت علیهم السلام علت اصلی هر چیزی که خدای متعال حرام یا واجب کرده، به نفع و ضرر دنیوی یا آخروی ما برمی گردد. یعنی خدای متعال که می داند انجام برخی از کارها موجب ضرر دنیوی یا آخروی قابل توجه است، انجام آن کار را از ابتدا حرام کرده تا بندگانش مبتلا به صدمات آن نشوند.

همچنین خدای متعال می داند که انجام برخی از کارها سود بسیار زیادی برای انسان دارد تا جایی که از دست دادن آن سود، صدمه‌ای بزرگ برای او به جای خواهد گذاشت. لذا در قالب یک دستور آمرانه، ما

را تشویق به انجام آن کار می کند. با این مطلب روشن شد که هدف از امر و نهی الهی، کسب سود و دفع زیان برای خود ما می باشد و در این میان، نفع و زیانی متوجه خدای سبحان نخواهد شد.

البته لازم به ذکر است که توقع نمی رود ما بتوانیم به سود و زیان همه‌ی واجبها و حرامهای الهی پی ببریم. ما در محضر خدای حکیم همچون کودکی هستیم که قادر به درک بسیاری از سود و زیانهایش نمی باشیم. اما می دانیم که امر و نهی خدای متعال از روی حکمت است و خدای حکیم هم کار بیهوده انجام نمی دهد. روی همین اساس احکام او را به دیده می نهیم و با اطمینان خاطر به آنها عمل می کنیم.

برخی بدون توجه به این مطلب مهم، به اشتباه می گویند: «خداوند چه نیازی به عبادت و نماز ما دارد»؟! این افراد توجه ندارند که خدای متعال هیچ نیازی به ایمان و عبادت ما ندارد. او بی نیاز مطلق، و عاری از هر نقصی است. اگر تمام مردم روی زمین کافر شوند، از خدایی خدا چیزی کم نمی شود؛ و اگر همه، مؤمن و متقی شوند، چیزی به او افزوده نمی گردد. عبادت خدای متعال تنها راه برای رسیدن به سعادت دنیوی و آخروی است و نماز هم نردبان عروج به کمالات انسانی است.

حال که بحث به اینجا کشید لازم می دانم نکته‌ی دیگری هم مطرح

پاسخ به چند شبهه / ۶۳

کنم. در کنار مطلبی که تا اینجا بیان شد، احکام الهی فایده‌ی خاص دیگری هم دارد و آن تقویت روحیه‌ی عبودیت و بندگی در انسان است. مهم‌ترین مقام برای هر انسانی این است که همواره این واقعیت بزرگ را آویزه‌ی گوش خود کند که او بنده‌ی خدای متعال است و هر چه دارد همه از او است. مقام عبودیت خداوند چنان عظمتی دارد که حتی از مقام رسالت هم بالاتر است. روی همین اساس در تشهد نماز، ابتدا شهادت می‌دهیم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عبد خدا بود و بعد از آن شهادت به رسالت او می‌دهیم. پذیرفتن عبودیت خدای سبحان اقتضا دارد تا هر چه گفت، بدون چون و چرا بپذیریم، چه به فلسفه‌ی احکام او پی ببریم و چه به فلسفه‌ی آن پی نبریم.

اگر کسی صرفاً به دلیل نفع و ضرر خود احکام الهی را اجرا کند، هر چند که به هدفش می‌رسد؛ اما چون در این میان فقط «خود» را می‌بیند، هنوز بویی از «عبودیت» خدای ربّ العالمین را استشمام نکرده است. اما کسی که هدفش از اطاعت دستوره‌ای الهی را پذیرش بندگی او قرار داده، در جرگه‌ی بندگان خدا راه پیدا کرده و بهره‌ی بسیار بالاتری از اعمال خود خواهد برد.

اینجا است که فاصله‌ای بزرگ میان مردم ایجاد می‌گردد. برخی از

۶۴ / پیوند جوان با نماز

مردم که در عمل به دستورات الهی توجهی به جنبه‌ی عبودیت آن ندارند، به محض مشاهده‌ی حکمی که سود و زیان آن برایشان نامعلوم است به سادگی از آن نافرمانی می‌کنند و می‌گویند: «تا نفهمم که ترک این کار حرام چه زیانی برای «من» دارد، آن را ترک نمی‌کنم و تا نفهمم که انجام این کار واجب چه سودی برای «من» دارد، آن را انجام نخواهم داد!»

حتی برخی، قدم را فراتر گذاشته و با پشت کردن به احکام الهی می‌گویند «من» دوست دارم به شیوه‌ی دیگری با خدای خود صحبت کنم. کی گفته تنها راه تقرب به درگاه الهی نماز است؟! «من» به جای نماز می‌نشینم و در دلم با خدای یکتا مناجات می‌کنم!!

چنین شخصی از یاد برده است که خداوند نیازی به مناجات ما ندارد. او با این دستورها عبودیت و اطاعت‌پذیری ما را می‌خواهد. او می‌خواهد تا با تقویت روحیه‌ی عبودیت، ما را از بندگان خوب و ممتاز خود گرداند و به کمالات عالی انسانی برساند. اما کسی که متکبران به خدا و دستورات او پشت کرده و در صدد است تا راه خواسته‌های دل خود را طی کند؛ نه به خدا می‌رسد و نه به کمال انسانی خود. چنین شخصی در دنیا سرگردان کبر و منیت خود است، و در آخرت هم بی‌نصیب از لطف خداوند.

حضرت زهراء علیها السلام در مورد علت وجوب نماز می فرمایند:

«خداوند متعال، نماز را واجب کرد تا انسان‌ها را از تکبر دور کند.»^۱

*نماز و زبان عربی

اشکال:

اگر نماز را به زبان خود می خواندیم حضور قلب بیشتری نداشتیم؟!

اصلاً چرا نماز به زبان عربی است؟!

جواب:

در جواب به این سؤال به چند مطلب اشاره می شود:

۱. اگر چنین باشد باید عرب زبان‌ها حضور قلب خوبی نسبت به نماز داشته باشند. حال آن که می بینیم آن‌ها هم همانند دیگران با مشکل حضور قلب در نماز مواجه هستند.

همه‌ی ما - ولو در حدّ اجمال - معنای عبارت‌های نماز را می دانیم.

می دانیم که «الله اکبر» یعنی چه، می دانیم که «مالک یوم الدین» یعنی

چه، و می دانیم که «اهدنا الصراط المستقیم» چه معنایی دارد. در صورتی

هم که کسی ادعا کند معنای عبارت‌های نماز را نمی داند جا دارد به او

گفت: مگر عبارت‌های نماز با حذف مکرراتش چقدر است؟! آیا نماز در زندگی این افراد آنقدر اهمیت ندارد که وقت بگذارند و معنای کلمات نماز را - که از نیم صفحه هم فراتر نمی رود - یاد بگیرند؟! پس کسانی که در توجیه عدم حضور قلب خود در نماز، جهل به معنای آن را بهانه می کنند، عذر صحیح و قابل قبولی ندارند.

۲. نماز، نماد و پرچم دین است. مردمی که در یک کشور زندگی می کنند، با وجود اختلاف زبانی و فرهنگی فراوانی که دارند، همه در زیر یک پرچم هستند. همین پرچم واحد موجب اتحاد و یکدلی مردم آن کشور خواهد شد. شیعیان با اختلاف فرهنگی و زبانی که دارند و سرتاسر جهان پراکنده هستند، وقتی به نماز آن‌ها نگاه می کنیم می بینیم که همه به یک شکل و با یک لفظ نماز می خوانند. همین نماز، نماد وحدت و یکدلی در میان مسلمانان خواهد بود که امری بسیار مهم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«برای هر چیزی نماد و چهره‌ای است، و نماد دین شما نماز

است.»^۱

۳. خداوند متعال از قرآن کریم به عنوان تنزیل یاد کرده است. مفاهیم

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: «لكلّ شیء وجهٌ و وجهٌ دینکم الصلاة.» (الكافی، ج ۳، ص ۲۷۰).

۱. قَالَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام فِي حُطْبَتِهَا: «فَرَضَ اللهُ ... الصَّلَاةَ تَنْزِيهَاً عَنِ الْكِبَرِ.» (وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۲۲).

قرآنی آنقدر عمیق است که برای انسان‌های عادی قابل فهم نیستند. روی همین اساس خداوند مفاهیم قرآنی را آنقدر تنزل داده تا معنای اولیه‌ی آن برای همگان قابل فهم باشد. آنگاه این معارف را در قالب زبان عربی در اختیار ما قرار داد. طبیعی است که ترجمه‌ی قرآن هرگز نمی‌تواند با خود قرآن برابری داشته باشد.

چون مترجم نسبت به معارف عمیق قرآنی اطلاع ناقصی دارد، طبیعی است که در ترجمه‌ی خود هم آن معارف را جا انداخته و یادی از آنها نداشته باشد. حضرت آیت الله جوادی آملی در این رابطه می‌فرماید:

«ترجمه‌ی قرآن همانند آن است که کسی بخواهد با یک آب‌کش از دریا آب بردارد.»

یعنی مقدار زیادی از مفاهیم عالی قرآن هنگام ترجمه جا مانده و فقط به اندازه‌ی تری از دریا آب برداشت می‌شود. حال، وقتی در نماز عین عبارت‌های عربی حمد را می‌خوانیم، با خداوند با همان عبارت‌هایی که خود به ما آموخته سخن گفته‌ایم بدون آن‌که در این میان چیزی کم یا زیاد شود؛ اما در ترجمه‌ی قرآن بسیاری از مفاهیم آن مورد غفلت قرار می‌گیرد.

۴. الفاظ قرآن از نورانیت ویژه‌ای برخوردار است که ترجمه‌ی آن این‌گونه نیست. در این رابطه نسبت ترجمه‌ی قرآن با خود قرآن همانند

نسبت عکس و نقاشی است در مقایسه با اصل خارجی آن. این الفاظ عربی قرآن عین همان الفاظی است که خداوند متعال به واسطه‌ی حضرت جبرئیل برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرو فرستاد.

پر واضح است که وقتی این الفاظ چنین مسیری را طی کرده‌اند برکت و نورانیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کنند که لفظ دیگری با آن برابری نمی‌کند. روی همین اساس است که دست زدن بدون وضو به آیات قرآنی حرام است؛ اما دست زدن به ترجمه‌ی آن مانعی ندارد. البته لازم است بگوییم که این مطلب هرگز بدان معنا نیست که ما توجهی به معنای قرآن نداشته باشیم.

خود قرآن کریم بارها ما را به تدبّر در آیاتش فرا می‌خواند و تدبّر در آیات قرآن هم مستلزم آن است که فهم درستی از معنای آن داشته باشیم. این کلام بدان معنا است که در عین توجه به معنای قرآن کریم از عبارت‌های خود قرآن کریم غافل نباشیم. یعنی سعی کنیم حین خواندن عبارت‌های عربی قرآن به معنای آن هم توجه داشته باشیم، نه این‌که به خواندن معنای فارسی آن بسنده کنیم.

۵. الفاظ نماز، عین الفاظی است که همه‌ی معصومین علیهم السلام با آن با

خدای خود مناجات می‌کردند. هم اکنون هم وجود مقدس امام زمان علیه السلام

با این الفاظ نماز می‌خواند. طبیعی است که چنین الفاظی از نورانیت خاصی برخوردار باشد. وقتی که ما خود را دوست‌دار آن اولیای الهی می‌دانیم مشتاقیم که همانند آن‌ها خدای خود را عبادت کنیم.

*نماز و پرهیز از تکرار

اشکال: یک مسلمان در هر سال نزدیک به دو هزار بار نماز می‌خواند و مدام کلمات تکراری آن را بر زبان جاری کند. آیا تکرار عبارات‌های نماز کار خسته‌کننده‌ای نیست؟! و آیا این کار، عملی لغو و بیهوده به شمار نمی‌رود؟!

جواب:

در جواب به این سؤال تنها به ذکر دو مطلب اکتفا می‌شود:

مطلب اول: ما همه روزه خود را با آب شستشو می‌دهیم و مراقب هستیم که آلودگی بر بدنمان ننشیند. آیا تا به حال کسی به ذهنش خطور کرده که آب برایم تکراری شده؟! در روایات از نماز به عنوان نهری یاد شده که روزی پنج بار روح و روان خود را با آن شستشو می‌دهیم. طبیعی است که وقتی کسی از نماز به عنوان کاری تکراری و بدون فایده یاد می‌کند، در واقع از فایده‌ی نماز که همان شستشوی روح و روان است در

غفلت است.

مطلب دوم: ما انسان‌ها در زندگی روزمره بارها به دیگران سلام می‌دهیم و از زحمات آنها تشکر می‌کنیم. بارها به دیگران ابراز محبت می‌کنیم و از کارهای خوبشان تقدیر و تشکر می‌کنیم. آیا می‌توان گفت این کارها تکراری شده؟! درست است که تقدیر و تشکرها با الفاظی تکراری واقع می‌شوند؛ اما هر تقدیر و تشکری روحی مخصوص به خود دارد و در این روح هیچ تکراری وجود ندارد. نماز، در واقع تشکر از نعمت‌های پی‌درپی الهی، بهانه‌ای برای ابراز محبت به خدای یکتا و نیز مدح و ثنای او می‌باشد. هر چند الفاظ نماز تکراری است؛ اما روح نماز برای نمازگزار واقعی، هیچ وقت تکراری و خسته‌کننده نخواهد بود.

... و آخرین کلام!

روزها و شبها سپری می‌گردند و گام به گام به پایان مسافرت دنیایی نزدیک‌تر می‌شویم. به راستی با خود اندیشیده‌ایم که چرا تا این اندازه از خود و فردای خود غافلیم؟! چرا از خویشتن خویش فراری هستیم و به جای قدری درنگ در اعمالمان، خود را مشغول لذت‌ها و سرگرمی‌های دنیا می‌کنیم. آیا اگر روزگار خود را این‌گونه سپری کنیم و خود را به غفلت بزنیم، واقعیت از ما دور می‌شود؟! از یاد که نبرده‌ایم منزل بعدی جسم ما «قبر» است و منزل روح ما هم عالم «برزخ»؟ بعد از آن در روز محشر از قبر بیرون آمده و خود را در پیشگاه عدل الهی می‌بینیم. درست است که خدای متعال در موضع عفو و رحمت «ارحم الراحمین» است، اما هنگام توبیخ و بازخواست «أشدّ المعاقبین» هم می‌باشد. در قرآن کریم بارها از جهنم و عذاب خوارکننده‌ی آن یاد شده، همان‌گونه که بارها از بهشت و نعمت‌های کریمانه‌ی آن صحبت شده.

خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی زمر از دو گروه بهشتی و جهنمی یاد کرده که به سوی میوه‌ی اعمال دنیوی خود حرکت می‌کنند. وقتی گناهکاران را گروه گروه به سوی جهنم اعمالشان سوق می‌دهند، نگهبانان جهنم با تعجب به آنها نگریسته و می‌گویند، وای بر شما! مگر در دنیا کسی نبود که شما را از این روز بترساند؟!

آن‌ها که جوابی برای گفتن ندارند، در آتش عذاب الهی رها می‌شوند. و وقتی که مؤمنین باتقوی را به سوی بهشت اعمال و عقاید خود سوق می‌دهند، درهای بهشت به رویشان باز شده و نگهبانان و خدمت‌گزاران بهشت با دیدن آن‌ها خوشحال می‌شوند و به آن‌ها خوش‌آمدگویی می‌کنند. اهل بهشت هم که خود را در برابر نعمت‌های بی‌حساب خدای تعالی می‌بینند، از او به خاطر این که به وعده‌ی خود عمل کرد و در مقابل اعمال و عقاید پاکشان، بهشت را ارزانی آنها کرد، سپاسگزاری می‌کنند.^۱

و این ماییم که جایگاه خود در عالم آخرت را انتخاب می‌کنیم. پس بیاییم با تکیه بر تقوای الهی و با استعانت از نماز سرنوشتی زیبا و در خور تحسین برای خود رقم بزنیم. انشاء الله.

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی زمر، آیات ۷۱ الی ۷۴.

ای دل به کوی عشق گذاری نمی کنی اسباب، جمع داری و کاری نمی کنی
چوگان حکم در کف و گویی نمی زنی باز ظفر به دست و شکاری نمی کنی
این خون که موج می زند اندر جگر تو را در کار رنگ و بوی نگاری نمی کنی
ترسم کز این چمن نبری آستین گل کز گلشنش تحمل خاری نمی کنی
حافظ برو که بندگی پادشاه وقت گر جمله می کنند، تو باری نمی کنی^۱

سؤال مسابقه

«سؤالات ذیل با توجه به متن کتاب تنظیم شده؛ لذا صرفاً با در نظر گرفتن متن کتاب به آنها پاسخ دهید»

۱- کدام یک از جملات زیر نادرست است؟

- الف. مقام «عبودیت» از مقام «رسالت» بالاتر است.
- ب. مقام «رسالت» از هر مقامی بالاتر است.
- ج. علت اصلی هر چیزی که خدای متعال حرام یا واجب کرده، به نفع و ضرر دنیوی یا اخروی ما برمی گردد.
- د. گزینه‌های ب و ج.

۲- خداوند متعال چگونه انسان را از دیگران بی‌نیاز می‌سازد؟

- الف. اگر خواست خداوند را بر خواسته‌ی دل خود ترجیح دهد.
- ب. اگر فقط به دنبال کسب رضای خدا باشد؛ هر چند که مردم از انجام

و الحمد لله رب العالمین

احمد نباتی

۱۳۹۰/۱۱/۰۳

پست الکترونیکی و شماره تماس مؤلف:

www.nabati452@gmail.com

همراه: ۰۹۱۳۶۹۶۵۹۸۳

سؤال مسابقه / ۷۵

آن کار خشمگین شوند.

ج. اگر به مستحبات عمل کند.

د. گزینه‌های الف و ب.

۳- با توجه به متن کتاب، چه کسانی به نماز به عنوان تکلیفی سنگین و نگران کننده نگاه می‌کنند؟

الف. کسانی که نماز خود را به آخر وقت واگذار می‌کنند.

ب. کسانی که به والدین خود بی‌احترامی می‌کنند.

ج. کسانی که بر خشم و غضب خود مسلط نیستند.

د. گزینه‌های ب و ج

۴- در روایات از نماز با چه عنوانی یاد شده:

الف. نماد و چهره‌ی دین

ب. جلب رحمت الهی

ج. قلعه‌ای در برابر یورش‌های شیطان

د. هر سه مورد

۵- وقتی از امام زین العابدین علیه السلام در مورد سبب قبولی نماز سؤال شد، آن حضرت چه فرمودند؟

الف. ولایت اهل بیت علیهم السلام

ب. بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام

۷۶ / پیوند جوان با نماز

ب. توجه به تعقیبات نماز

د. گزینه‌های الف و ب

۶- با توجه به حکایت ابوبصیر چه درسهایی را می‌توان آموخت؟

الف. ادب در دعا و توسل

ب. رضایت به تقدیرات الهی

ج. خدا گر ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری

د. هر سه مورد

۷- کدام جمله نادرست است؟

الف. توفیق‌های الهی نتیجه‌ی اعمال شایسته‌ی ما است.

ب. همه‌ی ما با حُسن اختیار خود نماز می‌خوانیم و با حُسن اختیار خود

راه بندگی خدا را انتخاب می‌کنیم.

ج. توفیق‌های الهی هیچ کاری با اعمال شایسته‌ی ما ندارند.

د. هر کمالی که داریم از توفیق الهی است.

۸- با توجه به متن کتاب کدام گزینه نادرست است؟

الف. برخی از مشکلات زندگی به جهت مصلحت‌های مبارکی رخ

می‌دهد که فوائد آن در درازمدت روشن خواهد شد.

ب. صبوری در برابر سختی‌های دنیا، موجب دور کردن گرفتاری‌های

آخرت از مؤمن است.

سؤال مسابقه / ۷۷

ج. کسی که غرق در گناه و معصیت است نمازش هیچ ارزشی ندارد.
د. گزینه‌های ب و ج اشتباه است.

۹- در روایات از چه اموری به عنوان ستون دین یاد شده است؟

الف. ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

ب. نماز

ج. روزه

د. گزینه‌های الف و ب

۱۰- «آسودگی در هنگام مردن»، «از بین رفتن غم و اندوه‌ها» و «نجات از آتش جهنم». این سه ویژگی مخصوص چه کسانی است؟

الف. کسانی که مراقب اوقات نماز خود هستند و نماز را در اوّل وقت می‌خوانند.

ب. کسانی که نماز می‌خوانند.

ج. کسانی که به والدین خود احترام می‌گذارند.

د. گزینه‌های الف و ب.

۱۱- کدامیک از گزینه‌های ذیل اشتباه است؟

الف. کسی که صله‌ی رحم کند، به رحمت بی‌کران الهی وصل شده است.

ب. تعقیبات نماز، نشان دهنده‌ی میزان توجه ما به نماز است.

ج. هر چند که ما عبد خداییم؛ اما تا دلیل اصلی دستوره‌های الهی را

۷۸ / پیوند جوان با نماز

ندانیم آنها را انجام نمی‌دهیم.

د. کسی که خشم خود را کنترل کند، امنیت و ایمانی بدست می‌آورد،

که شیرینی آن را در کامش دریافت می‌کند.

۱۲- با توجه به متن کتاب جای خالی را پر کنید:

او [خداوند] می‌خواهد تا با تقویت روحیه‌ی ، ما را از بندگان

خوب و ممتاز خود گرداند و به کمالات عالی انسانی برساند.

الف. معنویت

ب. عبودیت

ج. صبر و شکیبایی

د. فرو خوردن خشم

پاسخ نامه

الف	ب	ج	د	شماره
				۱
				۲
				۳
				۴
				۵
				۶
				۷
				۸
				۹
				۱۰
				۱۱
				۱۲

نظرات، انتقادات و پیشنهادات

نام و نام خانوادگی:

نام پدر:

تاریخ تولد:

تحصیلات:

کد پستی:

شماره ی تماس:

نشانی: